

گفت و گوی نشریه فقه با آیت الله محمدابراهیم جناتی

درباره شبیه سازی

تاریخ گفت و گو: دی ماه ۱۳۸۴

فقه: با تشکر از قبول زحمت اولین سؤال این است که نظر حضرت عالی درباره حکم شبیه سازی انسانی و پیامدهای آن، چیست؟

استاد: مسئله شبیه سازی انسانی از جمله مسائلی است که از چندی قبل در سطح جهان مطرح شده که برای آگاهی کامل از ماهیت و نتایج و پیامدهای مثبت و منفی آن مورد تحقیق و بررسی دانش پژوهان و عالمان آگاه از مبانی شریعت قرار گرفته تا آنان بتوانند حکم شرعی آن را بیان کنند؛ زیرا تا ابعاد موضوع و ویژگی های درونی و بیرونی و فواید و پیامدهای آن به گونه کامل مشخص نشود، حکم آن را نمی توان از نظر شرع براساس مبانی و عناصر اصلی شرع کاوید و این مطلب به موضوع شبیه سازی انسان اختصاص ندارد، بلکه شامل هر پدیده تازه دیگری می شود که در آینده نه چندان دور شاهد آنها خواهیم بود. باید دانست اختلاف نظر عالمان، اعم از مسلمان و یا پیروان ادیان دیگر، در مشروعیت هر پدیده جدیدی در ابتدای پیدایش آن امری رایج است؛ زیرا آن مسئله نظری است و اختلاف نظر درباره آن امری است طبیعی، ولی با مرور زمان و شرایط آن که در تحول ویژگی های درونی و بیرونی موضوعات دارای تأثیرند، می بینیم که در بسیاری از مسائل نظری بر اثر پیشرفت و تکامل علم و قوت ادراک آن، اختلاف نظر ها هم براساس مبانی و پایه های شناخت از میان می رود.

درباره شبیه سازی انسان و هر پدیده نو، اشکال شرعی ندارد، مگر آن که بر منع آن دلیل معتبر شرعی باشد و ما پس از مراجعه به مبانی و عناصر اصلی استنباط که نخستین آنها کتاب خدا و دومین آنها سنت رسول خدا و اوصیاء اوست، دلیل قانع کننده ای بر حرام بودن آن نیافتیم. لذا اصل این کار را مباح و حلال دانسته ایم، ولی با این وصف این را نمی توان نادیده گرفت که به کارگیری آن در دامنه وسیع و گسترده برای جامعه ممکن است پیامدهایی را دارا باشد که باید در به دست آوردن حدود آن سعی شود تا به اشکال برخورد نشود. از جمله این مشکلات عدم شکل گیری خانواده، نبود هویت خانوادگی، تعطیل روابط مشروع جنسی، مشکلات در امر ازدواج، ارث و محرومیت ها و... است و البته همه اینها پاسخ دارند که باید در فرصت دیگر بیان شوند.

به هر حال، این کار به عقیده من مباح و حلال است؛ چون پس از بررسی مبانی شرعی استنباطی دلیل معتبری بر حرام بودن آن نیافتیم تا بتوانیم آن را مورد اشکال قرار دهیم. ما بر این بینش و اعتقادیم و همان گونه که حرام خدا را نمی توان حلال کرد، حلال خدا را هم نمی توان حرام کرد. رسول خدا(ص) فرمود: (المُحَرَّم حلال الله كالمُحَلَّل حرام الله)، و این بدین جهت است که حکم به حرمت بدون دلیل شرعی تشریح محسوب می آید و مشمول آیه ۱۱۶ از سوره نحل قرار می گیرد که در آن آیه آمده: (ولا تقولوا لما تصفَّ

السنتم الکذب هذا حلال و هذا حرام). علاوه بر این که در فقه اجتهادی حکم به حلال کردن هر پدیده ای از هر نوع و قسمی که باشد، آسان تر از حرام دانستن آن است؛ زیرا آن مطابقت با اصول اولیه دارد.

فقه: حضرت عالی اشاره فرمودید که اصل کار مباح است، ولی پیامدهای آن را باید مورد توجه قرار داد. برخی از معاصران هم با توجه به پیامدها اصل کار را حرام دانسته اند. آیا به نظر شما پیامدهایی همچون: اختلال در انساب و از بین رفتن نظام خانواده، ایجاد اختلال در نظام اجتماعی و... می تواند دلیل بر ممنوعیت شود؟

استاد: این کار باعث اختلال در انساب و از بین رفتن نظام خانوادگی نمی شود؛ زیرا بچه ای که از راه شبیه سازی به وجود می آید، اگر از هسته سلول جسمی مرد باشد، فرزند او محسوب می شود و از او همانند فرزندان دیگرش که از راه معمول و متداول متولد شدند، ارث می برد و اگر از هسته سلول زن باشد، فرزند او محسوب می شود و از او همانند فرزندان دیگرش ارث می برد. در این فرض، نه در انساب اختلالی پدید می آید و نه سبب از بین رفتن نظام خانوادگی می شود و نه آسیبی به نظام اجتماعی وارد می کند. بلی، اگر بانک هسته ای سلول تأسیس شود و در آن جا هسته های سلولی جمع شوند و معلوم نشود که هسته سلولی که به کار گرفته می شود، از چه کسی است و از آن راه زن باردار شود، در این صورت در نسب خلط می شود. و نیز بنده بر این اعتقادم که اگر به کارگیری شبیه سازی در دامنه وسیع و گسترده پدید آید، پیامدهایی به دنبال دارد که قابل اغماض و چشم پوشی نیست؛ ولی اگر آن در دامنه محدود باشد، پیامدی ندارد.

فقه: برخی برای ممنوعیت به دلایلی همچون: تغییر خلقت خداوند، خدشه دار شدن کرامت انسان و پیدایش فقه جدید، و... استدلال کرده اند. به نظر شما کدام یک از این دلایل موجّه تر است؟ و پاسخ آنها چیست؟

استاد: شبیه سازی انسان به طور محدود، نه باعث تغییر در آفرینش و نه موجب خدشه دار شدن کرامت انسان می گردد و منشأ این گفته ها و نظریات ذهنیت هایی است که به دید آنها جهت می دهد، نه ادله استنباطی و شرعی. باید دانست آن دیدی ارزشمند است که از راه ادله شرعی جهت گرفته باشد. به هر حال، این کار باعث برداشت های جدید به گونه های مختلف از مبانی فقه اجتهادی به وسیله مسئولان حوزه استنباطی و اجتهادی در ارتباط با حکم آن از نظر شرعی می شود، ولی اختلاف در مسائل نظری طبیعی است و اختصاص به مسئله شبیه سازی ندارد و این بدین جهت است که این پدیده و پدیده های نوبه نو دیگری که در جامعه اسلامی پدیدار می شود، در مقام پاسخ به آنها براساس مبانی معتبر شرعی، نیاز به برداشت جدید از مبانی اجتهادی دارد و این اختصاص به پدیده شبیه سازی ندارد؛ بلکه در همه پدیده های جدیدی که از راه علوم جدید پدید می آید، ساری و جاری است. علوم جدید مانند علم پزشکی که درباره بدن و علاج آن، و علم شیمی که درباره ترکیب اجسام است، علم فیزیک که از حالات و صفات آنها بحث می کند، و علم ریاضی که در آن بحث از اعداد و نسب می شود و علوم دیگر، همانند کارخانه های تولیدی، موضوع سازند و باید مسئولان حوزه استنباطی در برابر پدیده ها و موضوعات گوناگون، پس از آگاهی کامل از آنها از طریق افراد آگاه و متخصص، در برابر آنها پاسخ گو باشند و در صورتی که کوتاهی نمایند، باید

خسارت جبران ناپذیری را پذیرا باشند.

بنده بر این بینش و اعتقاد که اگر مجتهدی به طور کامل شرایط اجتهاد را دارا باشد و از مبانی و عناصر اصلی استنباط، شرایط زمان و مکان عرف و احوال انسان و از نیاز جامعه آگاهی کامل داشته باشند، می تواند با اجتهادی که خداوند مانند چشمه جوشان در دل فقه به عنوان نیروی محرک آن قرار داده، آن را با پدیده ها و رویدادها و مظاهر نوین زندگی و مسائل مستحدثه از هر نوع و قسمی که باشد، هماهنگ نماید و پاسخ آنها را به گونه ای که لازم باشد، بدهد. البته نه با شیوه مصطلح رایج، آن هم در محدوده مسائل فردی که هزارها بار گفته شده و مورد نشر قرار گرفته؛ زیرا با آن نمی توان پدیده های جدید و مسائل نو به ویژه مسائلی را که مربوط به نظام مقدس اسلامی است، پاسخ داد و مشکلات آن را حل و خلأهای آن را پر و نارسایی ها را برطرف کرد.

امید است صاحب نظران این زمینه آزادی ای را که برایشان فراهم شده تا برداشت ها و دیدگاه نو خود را با استفاده از منابع و عناصر اصل استنباط ابراز دارند و در مقام پاسخ به پدیده ها و رویدادهای نوبه نو جامعه برآیند، مغتنم شمردند و در برابر تحولات گوناگون ابعاد جامعه و پدیده های عرصه های مختلف زندگی پاسخ گو شوند.

فقه: آیا ساختن عضو شبیه سازی شده انسان و پیوند آنها به بدن انسان های دیگر که اصطلاحاً شبیه سازی درمانی گفته می شود، جایز است؟

استاد: اشکال ندارد، بلکه بسیار کار خوبی است؛ ولی اگر انسانی ساخته شد، جایز نیست از اعضای آن برای پیوند به بدن انسانی دیگر که نیاز به آنها دارد، استفاده شود؛ زیرا او انسان است و همه احکام آن را دارا می باشد.

فقه: از نظر علمی تفاوتی میان شبیه سازی انسانی و درمانی وجود ندارد؛ زیرا در هر دو مورد از یک تکنیک استفاده می شود. تفاوت اساسی در هدف است. به این معنا که در شبیه سازی درمانی پس از اجرای تکنیک و گرفتن سلول های بنیادی، جنین به وجود آمده از میان برده می شود؛ حال آن که در شبیه سازی انسانی، جنین شکل گرفته تا مرحله به دنیا آمدن و کمال، نگه داشته می شود. آیا از بین بردن این جنین که قابلیت انسان شدن داشت، قتل به حساب نمی آید؟ و آیا روایاتی که از بین بردن نطفه مستقر را ممنوع می سازد، شامل آن نمی شود؟

استاد: اگر پس از اجرای تکنیک و گرفتن سلول های بنیادین جنین به وجود آید، در حکم آن تفاوتی بین غیر درمانی و درمانی آن نیست و اگر در درمانی آن مانعی از پیدایش جنین باشد، در این صورت واضح است که حکم جنین را ندارد. به طور کلی در همه موارد، حکم دایرمدار وجود موضوع است و تا موضوع محقق نشود، حکم برای آن نیست. مورد سؤال از این قانون مستثنا نمی باشد و حکم دایرمدار وجود جنین واقعی است و اهداف دانشمندان در موضوع و حکم آن تغییری ایجاد نمی کند؛ چون حکم دایرمدار موضوع است، نه دایرمدار اهداف.

فقه: در میان اهل سنت نسبتاً اجماعی بر ضد شبیه سازی وجود دارد و این کار حرام شمرده می شود؛ حال آن که در میان عالمان شیعه چنین اتفاق نظری وجود ندارد. به نظر شما آن اجماع موجه است؟ یا این اختلاف رأی؟

استاد: از نگاه اهل سنت اجماع فی نفسه هدف و حجت است، ولی از نظر فقهای شیعه اجماع وسیله است، نه هدف، و مادامی حجت است که کاشف از رأی معصوم باشد و برای آن طرقی دارند؛ مانند: طریقه دخولی و یا تضمینی سید مرتضی، طریقه لطفی شیخ طوسی، طریقه تقریری حلبی، طریقه کشف از دلیل معتبر نائینی، طریقه کشف در مسائل متلقاه بروجردی.

به هر حال این اجماع، نه تنها از نظر شیعه اعتبار ندارد، بلکه از نظر اهل سنت نیز اعتبار ندارد؛ به دلیل نبود اتفاق کامل؛ حتی بین علمای اهل سنت. علاوه بر این که این اجماع مدرکی است و اجماع مدرکی اعتبار ندارد؛ زیرا اعتبار به مدرک است، اگر تمام باشد.

فقه: آیا می توان اختلافات موجود در میان عالمان شیعه در این مورد را دسته بندی نمود و مشخص ساخت که این اختلافات به چند دیدگاه قابل ارجاع است؟

استاد: سه دیدگاه هست: ۱. جواز به گونه مطلق؛ ۲. عدم جواز به گونه مطلق؛ ۳. جواز به آن مقدار که دارای پیامد نشود.

فقه: شبیه سازی مردگان (در صورت امکان) چه حکمی دارد؟ آیا شبیه سازی دانشمندان بزرگ و نوابغ سیاسی و علمی که زنده نیستند، جایز است؟ استاد: فی نفسه مانعی ندارد.

فقه: انتساب فرد پدید آمده از طریق شبیه سازی، به چه کسی است؟ آیا او فرزند صاحب سلول است یا برادر دوقلوی او است، آیا جنین نسبت به زنی که در رحم وی پرورش یافته است، فرزند او نیز محسوب می شود؟

استاد: در قسمت اول سؤال، فرد پدید آمده، فرزند صاحب سلول به حساب می آید و در قسمت دوم مادر او صاحب سلول است و اما صاحب رحم مادر رضاعی او محسوب است.

فقه: آیا جاری کردن عقد نکاح بین زن و مرد نامحرمی که در کار شبیه سازی مورد استفاده قرار می گیرند، لازم است یا خیر؟

استاد: لازم نیست، ولی از نگاه به مواردی که حرام است، باید خودداری کنند؛ اما اگر نگاه کرد، گرچه حرام است، ولی به کار او شرعاً لطمه ای وارد نمی کند.

فقه: آیا سلول بارور شده مرد را بعد از طلاق یا مرگ او قبل از انقضای عده، می توان در رحم همسر تزریق کرد یا خیر؟ و در این صورت حکم ارث چگونه خواهد بود؟

استاد: اشکال ندارد؛ چون عنوان همبستری صادق نیست، ولی ارث را از مادر می برد و اما از صاحب سلول، جای تأمل است.

فقه: حکم نوزادی که از سلول زن دیگری شبیه سازی شده، چیست؟ آیا فرزند متولد شده دو مادر دارد یا یک مادر؟

استاد: صاحب سلول، مادر او محسوب است و صاحب رحم، مادر رضاعی او.

فقه: ازدواج فرد شبیه سازی شده با فرزندان صاحب سلول، اگر پسر باشند، چه حکمی دارد؟
استاد: جایز نیست؛ چون برادر او محسوب اند.

فقه: آیا ازدواج فرد شبیه سازی شده با زنی که سلول در رحم او پیوند زده شده، جایز است یا خیر؟

استاد: جایز نیست؛ چون آن زن، مادر رضاعی او محسوب است.

فقه: آیا حکم ارث مطابق موازینی که دارد، بین فرد پدید آمده از طریق شبیه سازی و بین صاحب سلول جاری است یا خیر؟

استاد: جاری است. بین کسی که او از سلول زن به وجود آمده و زن، توارث به لحاظ مادر و فرزند است و بین آن که او از سلول مرد به وجود آمده و مرد، توارث پدر و فرزند است.

فقه: آیا اسلام فرد شبیه سازی شده از راه سلول، همانند اسلام دیگران مورد پذیرش است؟
استاد: بلی، اسلام او همانند اسلام دیگران مورد پذیرش است.

فقه: آیا هیچ تفاوتی بین او و مسلمانان دیگر وجود دارد؟

استاد: بین آنها فرقی نمی باشد. پس همان گونه که هر مسلمانی باید مورد احترام و از حقوقش در همه ابعاد زندگی فردی، عبادی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد، او نیز باید از همه آنها برخوردار باشد.

فقه: آیا قاتل او همانند قاتل مسلمان باید قصاص شود؟

استاد: بلی، باید قصاص شود.

فقه: آیا دیه در مواردی که برای مسلمان ثابت است، برای او نیز ثابت است؟

استاد: بلی، برای او نیز ثابت است.